

معرفی، نقد و بررسی کتاب

«نصوص من الأدب الأندلسی»

ابوالحسن امین مقدسی^{۱*}، عبدالوحد نویدی^۲، موسی بیات^۳

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۸

چکیده

پیرامون تاریخ و ادبیات اندلس، کتاب‌های متعددی نگاشته شده که هر یک از آن‌ها، از جهاتی درخور توجه و ارزیابی‌اند. با بررسی این آثار، می‌توان گفت که تعداد اندکی از آنها مناسب حال دانشجویان دانشگاه پیام نور است. کتاب «نصوص من الأدب الأندلسی» از علی‌باقر طاهری‌نیا و محمدهدی مسبوق علی‌رغم وجود برخی اشکالات شکلی و محتوایی می‌تواند به عنوان منبع درسی رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور مورد استفاده قرار گیرد. مقاله پیش‌رو بر آن است تا اثر مذکور را در دو بعد شکلی و محتوایی مورد ارزیابی قرار دهد و نقاط ضعف و قوت آن را تبیین نماید. از مهم‌ترین مزایای اثر مذکور می‌توان به اهتمام به حروف‌نگاری، صحافی، طرح روی جلد، مطابقت داشتن کامل درس‌ها با عنوان کتاب، واضح و سلیس بودن متن درس‌ها و مختصر بودن موضوع کتاب اشاره کرد. مهم‌ترین معایب آن نیز عبارت‌اند از: توجه ناکافی به صفحه‌آرایی کتاب، ارجاع ندادن به منابع استفاده‌شده، نداشتن مقدمه خوب و خاتمه روشمند، استفاده نکردن از منابع فراوان و متنوع، ضعف تجزیه، تحلیل و نقد، نداشتن نوآوری و تولید علم به دلیل تکیه بر گردآوری و نقل به جای تحلیل و نقد اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: ادب اندلس؛ نقد کتاب؛ شکل؛ محتوا.

۱. مقدمه

توسعه فناوری چاپ و نشر در سده‌های اخیر و انتشار صدها عنوان کتاب، ضرورت توجه به نقد و نقدنویسی را صدچندان می‌کند. در واقع انتشار هزاران عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف سبب می‌شود که شناسایی آثار مفید و ارزشمند، برای عموم مردم و حتی نخبگان امکان‌پذیر نباشد. اینجاست که اهمیت و ضرورت نقد کتاب و نشریات نقدی مشخص می‌شود. نقد ضمن کمک به شناسایی کتاب‌های خوب از بد و باارزش از کم‌ارزش و بی‌ارزش، در بالندگی و توسعه حوزه نشر و نوشته‌های علمی و ادبی بسیار مؤثر است. بی‌شک اگر نویسنده، با نقد منصفانه کتاب روبه‌رو شود و به علمی و منطقی بودن نقد پی ببرد، تلاش می‌کند که در چاپ‌های بعدی و نگارش آثار جدید، از تکرار مشکلات مشابه و کاستی‌ها بکاهد و بر ارزشمندی اثر خود بیفزاید. سایر نویسندگان نیز می‌توانند از نقدهای مطرح‌شده، در راستای تولید محتوای کیفی‌تر و ارزشمندتر بهره ببرند. در مقاله پیش‌رو بر آنیم تا کتاب **نصوص من الأدب الأندلسی** نوشته علی‌باقر طاهری‌نیا و محمد مهدی مسبوق را مورد ارزیابی و نقد قرار دهیم. پیش از ورود به موضوع اصلی لازم است کتاب موردنظر تا حدودی معرفی و شناسانده شود.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب **نصوص من الأدب الأندلسی** در ۱۸۴ صفحه، تنظیم و توسط انتشارات دانشگاه پیام نور منتشر شده است. کتاب دارای یک مقدمه و بیست‌و‌چهار درس است. نویسندگان در مقدمه علت تدوین کتاب و هدف‌های رفتاری را تبیین نموده‌اند. هر درس به معرفی یکی از شاعران یا نویسندگان دوره اندلس پرداخته است. نویسندگان در هر درس، به ترتیب درباره زندگی، ویژگی‌های ادبی شاعر و مناسبت قصیده پرداخته، سپس برخی از ابیات قصیده شاعر را آورده و به شرح لغوی و تا حدودی نکات نحوی و بلاغی ابیات پرداخته و در آخر، شرح عربی ابیات را ذکر کرده‌اند. در شرح حال نویسندگان، بعد از شرح زندگی و ویژگی‌های ادبی آنها، نمونه‌ای از نثر آنها را آورده و به شرح لغوی آن پرداخته‌اند. در پایان هر درس، موضوعی

تحت عنوان «المناقشة» آورده و تمرین‌های و سؤالاتی چهارگزینه‌ای برای آزمودن دانشجویان طراحی کرده‌اند. جواب سؤالات چهارگزینه‌ای در صفحه ۱۶۵ کتاب آمده‌است. در پایان کتاب و بعد از جواب سؤالات، فهرست منابع ذکر شده و در آخر کتاب هم فهرستی از واژگان متن کتاب آمده‌است.

این کتاب به دلیل پوشش نسبی سرفصل‌های وزارت علوم می‌تواند برای تدریس متون نظم و نثر دوره اندلس به عنوان منبع درسی دانشجویان دانشگاه پیام نور مورد توجه قرار گیرد. نویسندگان در این کتاب معلومات مفیدی پیرامون ادب اندلس به دست داده‌اند. دانشجویان با مطالعه هر درس می‌توانند با یکی از شعرا یا نویسندگان بزرگ اندلس، زندگی‌نامه، ویژگی‌های ادبی آنها، شرح لغوی و تا حدودی نکات نحوی آشنا شوند. شاید موفقیت نسبی نویسندگان در تألیف اثر مذکور مبتنی بر امر تجربیات آموزشی چندین و چندساله نویسندگان باشد. نویسندگان، هدف خود را در خصوص تألیف کتاب، آشنایی با میراث فکری و اسلامی عصر اندلس بیان داشته و گفته‌اند «بی‌شک کتاب‌ها و آثار به‌جای‌مانده، از ماندگارترین و پرافتخارترین مظاهر تمدن و میراث است. در این میان، دواوین شعرا و کتب برجای‌مانده بخش مهم و بزرگی از میراث ملتهاست. این کتاب فرصت خوبی فراهم می‌آورد تا با بخشی از میراث فکری و اسلامی دوره اندلس آشنا شویم» (طاهری‌نیا، ۱۳۹۸: هفت). آنان در ادامه ابراز داشته‌اند که مطالعه متون، مهارت دانشجو را برای فراگرفتن معانی متن‌ها بالا برده و آنان را در کشف راز و رمزهای نهفته متون یاری می‌رساند (همان).

بی‌شک بررسی ادبیات دوره اندلس به‌ویژه تاریخ آن، از جمله آثار خواندنی و درخور توجه است و باید مورد ارزیابی و نقد قرار گیرد. بنابراین برای اینکه بتوان به ارزش واقعی یک کتاب پی برد و از کاستی‌های آن آگاه شد، باید از روی صدق و اخلاص، و درعین حال صریح و بی‌پرده، آن را با دید نقادانه، مورد ارزیابی قرار داد. زیرا نقد «داوری خرده‌گیرانه و مستدل درباره متنی، و در معرض داوری قرار دادن آن است» (اسلامی، ۱۳۹۱: ۲۳). از آنجاکه همه کتاب‌ها

برای یک هدف و بر اساس یک الگو نگاشته نمی‌شوند، شاخص‌های نقد آنها نیز متفاوت خواهد بود. در این میان، تألیف کتب درسی دانشگاهی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا ارزش‌ها را در ذهن فراگیران شکل می‌دهد. کتاب‌های درسی دانشگاهی نباید فقط وسیله‌ای برای انتقال دانش به خوانندگان باشد بلکه باید مطالب آن بتواند سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش روی آنها بگشاید. پس از معرفی کلی اثر به ارزیابی آن در دو بُعد شکلی و محتوایی می‌پردازیم و آن را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم.

۳. بررسی جنبه‌های شکلی کتاب

هرچند جنبه‌های شکلی یک اثر در جوهره و ذات آن تأثیر جدی ندارند و جزو عوامل تعیین‌کننده نیستند (بشیری، ۱۳۹۳: ۳)؛ اما چون شکل یک اثر به‌ویژه به لحاظ نشانه‌شناسی، می‌تواند مورد توجه مخاطبان قرار گیرد، نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. کتاب درسی، ابزار کار دانشجویان است و جذابیت ظاهری آن با توجه به خصوصیات روحی و سلاقی دانشجویان از اهمیت خاصی برخوردار است و در امر یادگیری بسیار مؤثر. در این قسمت به بررسی شاخص‌هایی چون «طرح روی جلد، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، رعایت قواعد عمومی نگارشی و جامعیت صوری» اثر می‌پردازیم.

جامعیت صوری شامل فهرست مطالب، مقدمه، پیشگفتار، خلاصه، نتیجه‌گیری، جمع‌بندی، ضمایم و ملحقات از قبیل نمایه‌ها، فهرست اعلام، فهرست آیات، فهرست امثال، فهرست منابع و مراجع، جدول‌ها، تصاویر و نمودارها است.

۳-۱. طرح جلد

طرح روی جلد کتاب یکی از عوامل تأثیرگذار در جذب مخاطب برای خواندن کتاب است و می‌تواند شوق لازم جهت توجه به یک کتاب یا دافعه جهت عدم توجه به آن را در برداشته باشد (اکبری تبار، ۱۳۹۱: ۱۲۹). طرح روی جلد کتاب، شامل آرم دانشگاه پیام نور، تصویر یکی از آثار باستانی دوره اندلس، دفتر و دستی است که قلم برگرفته و قصد نوشتن بر روی آن دفتر را دارد. پی‌رنگ روی جلد که مغز پسته‌ای است، جاذبه زیبایی دارد. عنوان کتاب و نام

معرفی، نقد و بررسی کتاب «نصوص من الأدب الأندلسی» ابوالحسن امین مقدسی، عبدالوحد نوبدی و...

نویسندگان کاملاً گویاست. آرم دانشگاه پیام نور با اینکه از نظر حجم با صفحه روی جلد تناسب ندارد و بیش از اندازه بزرگ است، می‌تواند تداعی‌کننده سیستم باز دانشگاه پیام نور باشد. اثر باستانی روی جلد، نمی‌تواند نماینده خوبی برای به یادآوردن دوره اندلس باشد. بهتر بود مؤلفان نام اثر باستانی را در گوشه‌ای از تصویر ذکر می‌کردند تا بی هیچ شائبه و ابهامی و بدون حتی خواندن عنوان کتاب، بتوان نام دوره مربوطه را ذکر کرد و به عنوان کتاب پی برد؛ در کتاب هم به نام تصویر اشاره‌ای نشده است. تصویر دفتر نوشتار، حاکی از روش مکاتبه‌ای و عدم حضور دانشجو است. تصویر دستی که قلم بر گرفته، می‌تواند دال بر این موضوع باشد که دانشجوی پیام نور در عین اینکه می‌تواند به صورت غیرحضور به گذراندن واحدهای خود بپردازد، سر کلاس درس حاضر شده و از محضر استاد بهره‌مند گردد. استفاده از تصویر مستطیل می‌تواند حاکی از محدودیت واحد درسی باشد.

۲-۳. حروف‌نگاری

کیفیت شکلی و چاپی اثر به لحاظ حروف‌نگاری و جنبه‌های مربوط به مسائل فنی چاپ و نگارش که از نظر زیبایی‌شناسی برای هر کتابی به‌ویژه آثاری از نوع کتاب‌های ادبی در نظر گرفته می‌شود، در این کتاب رعایت شده و دقت لازم و کافی به این امر در آن لحاظ شده است. در واقع کتاب به لحاظ شکلی، دارای کیفیت لازم است و شکل حروف باعث آزار چشم نمی‌شود. دقت و مهارت در حروف‌چینی باعث شده است که کلمات برای خواننده چشم‌نواز باشد و مطالعه را برای وی آسان نماید.

۳-۳. صفحه‌آرایی و صحافی

از نکات مثبت کتاب در این زمینه می‌توان به برجسته‌سازی اشاره کرد. حروف عناوین اصلی و فرعی کتاب از حروف متن متمایز شده است. استفاده از سر صفحه یعنی درج عنوان کتاب و

عنوان هر درس از دیگر نکات قابل توجه کتاب است. میان تعداد صفحات کتاب و صفحات هر درس با درس‌های دیگر، تقریباً تناسب و هماهنگی دیده می‌شود. حجم درس‌ها بین چهار صفحه تا ۱۰ صفحه به فراخور موضوع در نوسان است. در تنظیم ابیات شعری دقت فراوانی لحاظ شده است. هرچند گاهی این امر نادیده گرفته شده و کاستی‌هایی در این زمینه مشاهده می‌شود. برای نمونه در صفحات ۵۲ بیت یازدهم، ۷۸ بیت هفتم، ۷۹ بیت دوازدهم، ۱۲۴ بیت سیزدهم، ۱۳۹ بیت یازدهم تنظیم ابیات به هم خورده و مصراع‌های دوم به مصراع‌های اول وصل شده است. علاوه بر این، صفحه‌آرایی کتاب حاضر از مشکلات دیگری رنج می‌برد. از جمله عدم اتخاذ روش یکسان در تورفتگی‌ها پاراگراف‌ها. گاهی اوقات این تورفتگی رعایت شده و بیشتر اوقات رعایت نشده است. برای نمونه در این موارد تورفتگی پاراگراف‌ها رعایت نشده است: مقدمه بند اول، هدف‌های رفتاری بند اول، صفحه یک قسمت حیانه بند اول، صفحه دو قسمت ادبه بند اول و قسمت مناسبه القصیده بند اول، صفحه هفت قسمت حیانه و ادبه بند‌های اول، صفحه هشت قسمت مناسبه القصیده بند اول، و صفحات ۱۳، ۱۴، ۲۳، ۲۴، ۳۳، ۳۴، ۴۳، ... و ۱۴۳، ۱۴۴ و... لازم به یادآوری است که در تمام جاهای که شرح ابیات، مناقشه و سؤالات چهار گزینه آمده است، این موضوع اصلاً رعایت نشده است. پیشنهاد می‌شود در این مورد تجدید نظر اساسی صورت گیرد تا کتاب یکنواخت شده و زیبایی صفحات دوچندان گردد. کتاب از نظر حجم صفحه و تعداد سطرها نیز وضع مناسب و مطلوبی ندارد. تعداد سطور آن بیش از حد استاندارد است و تقریباً ۲۶ خط برای هر صفحه، خسته‌کننده است و خوانندگان تنگ‌حوصله را از ادامه خواندن کتاب باز دارد و آن‌ها را به خواندن ترغیب نکند. صحافی کتاب، خوب، مطمئن و قابل قبول است و به‌درستی صورت گرفته و شیرازه آن از استحکام کافی برخوردار است.

۳-۴. رعایت قواعد عمومی

استفاده از علائم ویرایشی در متن اثر خیلی کم رعایت شده، ولی قوانین نگارشی از قبیل دقت در استعمال الفاظ، مصطلحات و تعابیر لغوی تا حدودی رعایت شده است. کتاب حاضر از برخی غلط‌های صرفی و نحوی رنج می‌برد. صفحه ۷۶ جای الأدیبه، باید الأدیرة، صفحه ۱۲۸

سطر چهارم و صفحه ۱۲۹ شرح بیت اول جای القصیده، باید القصیده، صفحه ۲۵ بیت نه، باید به جای مُحْيَاة، مُحْيَاة بیاید. از جمله غلطهای اعرابی و نحوی می توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: صفحه سه سطر هفت، جای مستقیم باید مستقیم بیاید. زیرا مستقیم صفت دوم و سببی برای واژه أرض است، و چون واژه بعد از آن به صورت مرفوع آمده، نشان می دهد که به مابعد خود اضافه نشده و همان طور که می دانیم اگر کلمه‌ای، «ال» نداشته و به مابعد خود هم اضافه نشده باشد، باید تنوین بگیرد. صفحه پنجم در سؤال سوم، جای أَذْفِيهَا باید أَذْفِيهَا بیاید. ریشه فعل از ذاق يُذَوِّقُ است که به باب افعال رفته است. أَذَاقٌ يُذِيقُ إِذَاقَةً. أَذْفِي فعل امر از تُذِيقِينَ است که بعد از حذف حرف مضارع و نون علامت رفع به صورت أَذْفِي درآمده است. در صفحات هشت و ده در بیت چهارم، باید جای نَعِيمٍ، نَعِيمٍ و بیت هفت جای بَيْنٍ، بَيْنٍ، صفحه ۱۴ قسمت اُدهبه سطر هشت و ده به ترتیب جای حَقَّهُم و إِبِي، باید حَقَّهُم و أْبِي بیاید. صفحه ۱۵ بیت‌های ده، ۱۲ و ۲۳، به جای فِرَاقِسٍ، ثَعَالِبٍ و المِصْدَاقُ که دو واژه اول به ضرورت شعری باید تنوین بگیرند و واژه سوم باید بدون تنوین بیاید، لازم است به ترتیب فِرَاقِسٍ و ثَعَالِبٍ و المِصْدَاقُ بیاید. همین اشتباهات در صفحات ۱۷، ۱۸ و ۲۰ تکرار شده است. صفحه ۱۶ بیت پنج قسمت المفردات، باید به جای يُوَضَّعُ، يُوَضَّعُ و صفحه ۱۹ به جای يَجْدُرُ، يَجْدُرُ بیاید. صفحه ۲۵ بیت پنجم باید به جای أَنَّةً، أَنَّةً بیاید چون فاعل است برای فعل هفا، صفحه ۲۷ باید برای استقامت وزن، «یای» بصبری با فتحه بیاید. صفحه ۵۱ بیت نه، به جای ضمیر کم، ضمیر ک آمده است. با توجه به اینکه در بیت قبل دو فعل بِنْتُمْ و بِنَّا و جار و مجرور إِلَيْكُمْ آمده است، باید ضمیر در این بیت هم به صورت جمع مذكر مخاطب بیاید. در صفحه ۹۶ جای الموشحة باید الموشحة بیاید.

۳-۵. جامعیت صوری کتاب

کتاب حاضر برخی از شاخص‌های جامعیت صوری را دارد و از برخی دیگر بی‌بهره است. از عناصر تشکیل‌دهنده این جامعیت که در کتاب موجود است، عبارت‌اند از «فهرست مطالب، مقدمه، تمرین، آزمون و فهرست واژگان». کتاب فاقد برخی عناصر صوری است از جمله «جمع‌بندی، خاتمه، فهرست اعلام، فهرست آیات، جدول، تصویر، نمودار و نقشه». البته باید گفت با توجه به موضوع کتاب و رویکرد آموزشی برای دانشجویان کارشناسی اصولاً نیازی به برخی از این ابزارها احساس نمی‌شود.

۳-۶. اغلاط چاپی

از دیگر معایب شکلی کتاب، وجود غلط‌های چاپی فراوان است که به جهت بی‌دقتی در نمونه‌خوانی کتاب، به متن راه یافته و از دید نویسندگان و ویراستاران مخفی مانده است. امیدواریم که در صورت تجدید چاپ و اطلاع نویسندگان یا ناشر کتاب از این نوشتار، نواقص مذکور در چاپ‌های بعدی برطرف گردد. برخی از غلط‌های فاحش و آشکار کتاب بدین قرارند: صفحه سه سطر ده، جای ضمیر، ضمیر، صفحه هفت قسمت حیاته سطر هفت جای یناهز، یناهر، صفحه ۲۴ سطر شش جای الأندلس، الأندس، صفحه ۳۰ شرح بیت ۲۰ جای تَبَيَّنَتْ، تَبَيَّنَتْ. نت، و صفحه ۳۱ قسمت ب سؤال سوم، جای اعتزاز، اعتراض آمده است. صفحه ۹۰ شرح بیت پنجم، در عبارت أخرج من و الوحدة، واو زائد است. در بیشتر صفحات کتاب، به جای حرف ی حرف ی و به جای حرف ی، حرف ی آمده است. برای نمونه صفحات یک، دو، سه، چهار، پنج، هفت، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۰ و ۱۶۲. شیوه کتابت همزه‌های قطع و وصل در بیشتر صفحات کتاب رعایت نشده است. برای نمونه صفحات ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۴۸ و ... گاهی اوقات تاریخ‌هایی که در عنوان درس آمده، با تاریخ‌های موجود در متن درس تطابق ندارند. برای نمونه در صفحه ۱۵۵، ذیل عنوان ابن خلدون، تاریخ وفات وی به میلادی ۱۴۰۴ آمده، اما در متن درس ۱۴۰۶ آمده است.

۳-۸. ثبت ارجاعات و تنظیم کتابنامه

نویسندگان از هیچ‌یک از روش‌های ارجاع‌دهی در کتاب استفاده نکرده‌اند؛ امری که ارزش کتاب را پایین آورده‌است. علی‌رغم اختلاف‌نظر پژوهشگران در چگونگی ارجاع‌دهی و تنظیم کتابنامه به نظر نمی‌رسد که هیچ‌یک از صاحب‌نظران در ضرورت ارجاع‌دهی اختلاف و یا حتی شک و تردیدی داشته باشند. باینکه کتاب مذکور یک اثر دانشگاهی است، فقط در دو مورد صفحات ۲۴ و ۴۷ به منبع ارجاع داده شده‌است. عجیب‌تر اینکه در این صفحات به سه منبع ارجاع داده شده که دو منبع آن یعنی «یتیمه الدهر» و «المعجب فی أخبار اهل المغرب»، در فهرست منابع آخر کتاب هم نیامده‌اند. با توجه به اینکه کتاب، یک اثر دانشگاهی است و در شرح زندگی شعرا و نویسندگان از منابع کهن استفاده شده، بهتر است به منابعی مورد استفاده، ارجاع داده شود تا هم اصل امانت در ذکر منابع، رعایت شود و هم دانشجویان با منابع استفاده شده آشنا گردند.

معلوم نیست که نویسندگان، کتابنامه یا فهرست المصادر و المراجع را بر چه اساسی ذکر کرده‌اند، در متن کتاب فقط در دو مورد صفحات ۲۴ و ۴۷ به سه منبع ارجاع داده‌اند که آن‌هم دو منبع از سه منبع را در فهرست منابع نیاورده‌اند. این نحوه استفاده از منابع از نظر علمی مرسوم و متداول نیست. سیستم پیام نور، سیستمی کتاب محور است و باید کتاب‌های مورد استفاده در این سیستم، از نظر علمی از سطحی بالا و قابل قبول برخوردار باشند. بنابراین شایسته است کتاب از اصول و موازین علمی برخوردار باشد.

نواقص شکلی اندکی در تنظیم کتابنامه مشاهده می‌شود. از جمله اشاره به نوبت چاپ منابع است که در نه مورد از هفده مورد، به نوبت چاپ اشاره نشده‌است. در یک مورد از هشت مورد باقیمانده (منبع شماره ۱۲)، جای نوبت چاپ قبل از مکان چاپ آمده که بهتر است این مورد هم اصلاح شود و مانند بقیه موارد بعد از مکان آورده شود. آنچه که تاکنون

برشمرديم نمونه‌هایی از مزایا و کمبودهای شکلی کتاب بود. امیدواریم این کمبودها که غالباً ناشی از خطاهای تایپی و یا خطاهایی ناشی از عدم توجه به معیارهای روش تحقیق در ثبت ارجاعات و تنظیم کتابنامه است، در چاپ‌های بعدی کتاب برطرف گردد.

۴. بررسی محتوایی کتاب

اهمیت بررسی محتوایی کتاب، به مراتب بیشتر از جنبه‌های شکلی آن است. در این بخش، کتاب حاضر تحت پنج عنوان بررسی خواهد شد. «انتخاب موضوع و تنظیم عنوان»، «فصل‌بندی و تنظیم عناوین داخلی»، «جایگاه منابع و مراجع استنادی»، «کیفیت تجزیه، تحلیل و نقد داده‌ها و معلومات»، «میزان نوآوری و تولید علم». در هریک از این بخش‌ها به نکات قوت و نکات ضعف کتاب اشاره خواهد شد.

۴-۱. انتخاب موضوع و تنظیم عنوان

اولین و شاید مهم‌ترین معیار ارزش‌گذاری آثار علمی و تألیفات دانشگاهی که مورد توجه صاحب‌نظران عرصه تألیفات علمی و کتب دانشگاهی قرار می‌گیرد، انتخاب موضوع و عنوان مناسب برای آن است. باید دانست که دانشمندان و محققان با توجه به نوع و حجم تحقیق، چند ویژگی یا به عبارت دیگر چند معیار را برای انتخاب موضوع و تنظیم عنوان مناسب برای آن بیان نمودند (مشکین‌فام، ۱۳۸۶: ۲۰ و ۲۱) در زیر ضمن اشاره به مشهورترین آنها، نقطه نظرات خود را در مورد این کتاب بیان می‌کنیم.

أ) جدید و نو بودن موضوع

موضوع کتاب حاضر، موضوع جدید و بکری نیست؛ زیرا علاوه بر کتب تاریخ ادبیات که مباحث این کتاب در آنها یافت می‌شود، کتاب‌های دیگری نیز به صورت مستقل، جزئی و عمیق‌تر به این موضوع پرداخته‌اند. از جمله کتاب *نظرات في تاريخ الأدب الأندلسي* از کامل کیلانی، کتاب *في الأدب الأندلسي* از محمد رضوان الدایه، کتاب *الأدب العربي في الأندلس* از عبدالعزیز عتیق، کتاب *الأدب الأندلسي موضوعاته فنونه* از مصطفی الشکعه، کتاب *المجاني*

معرفی، نقد و بررسی کتاب «نصوص من الأدب الأندلسی» ابوالحسن امین مقدسی، عبدالوحد نویدی و...

الحدیثة، جلد پنجم از اب شیخو و کتاب **الأدب العربی فی الأندلسی تاریخ و نصوص** از محمدعلی آذرشب. نویسندگان با اینکه اثرشان بیشتر گردآوری بوده، به هیچ‌یک از این کتاب‌ها اشاره نکرده‌اند. بنابراین بیشتر مباحث کتاب مورد بحث، جمع‌آوری از کتاب‌های تاریخی و ادبی و دواوین شعر بوده است.

ب) مفید بودن

بی‌شک جدید بودن و مفید بودن یک موضوع نسبت به هر خواننده‌ای بنا بر وسعت و محدوده اطلاعات وی متفاوت است و تعیین دقیق موضوعات جدید و مفید کاری نیست که بتوان به آسانی به آن اقدام نمود. باین حال جمع‌آوری این حجم معلومات از منابع متعدد و متنوع قدیم و جدید و شرح، توضیح و أحياناً تحلیل و نقد آن، برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور می‌تواند مفید و قابل استفاده باشد.

ت) محدود و محصور بودن موضوع

محدود بودن یا به عبارتی جزئی بودن موضوع هر پژوهش با توجه به نوع و هدف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. موضوع مورد بررسی در این اثر، از ویژگی محدودیت و یا محصور بودن برخوردار است. زیرا عنوان کتاب **نصوص من الأدب الأندلسی** نشان می‌دهد که نویسندگان به بررسی برخی از متون ادبی دوره اندلس پرداخته‌اند.

ث) عنوان واضح و مختصر

یکی از برجسته‌ترین نکات قوت کتاب مذکور در همین امر نهفته است. عنوان کتاب کاملاً واضح و مختصر است و هیچ نوع کلمه مبهم و زائدی در آن یافت نمی‌شود و تقریباً همه موضوعات به‌کارگرفته‌شده در کتاب را تحت پوشش قرار می‌دهد.

۴-۲. فصل‌بندی و تنظیم عناوین داخلی

انتخاب مباحث فرعی و تنظیم عنوان‌های داخلی در هر اثر علمی و دانشگاهی یکی از مهم‌ترین معیارها در ارزیابی تسلط و اشراف همه جانبه نویسنده بر عناصر و افکار اساسی موضوع خود است (شلبی، ۱۹۷۴: ۳۳، نادری و دیگران، ۱۳۷۲ش: ۲۰۱) عناوین داخلی مانند عنوان اصلی، باید واضح بوده و دارای تنظیم منطقی باشند (ضیف، ۱۹۷۲م: ۲۷ تا ۳۳) به عبارت دیگر عنوان‌بندی هر اثر علمی همان تنظیم معلومات و یافته‌های علمی است که در یک جهت‌گیری منسجم و پیوسته مانند حلقه‌های زنجیر پشت سرهم قرار گرفته به طوری که اگر مبحثی از جای خود جابه‌جا شده و زودتر یا دیرتر از مباحث دیگر بیاید، مانند این است که حلقه‌های زنجیر، بهم‌ریخته و آشفتگی در عنوان‌بندی به وجود می‌آید. لذا برای اجتناب از این آشفتگی در تنظیم مباحث می‌توان موضوعات را به عنوان مثال بر اساس اهمیت و ضرورت تنظیم کرد (صابری، ۱۳۸۴ش: ۲۳) و اینک بر اساس همین معیارها به ارزیابی کتاب موردنظر می‌پردازیم.

در کتاب حاضر به جای باب و یا فصل، از عنوان درس استفاده شده و هر درس به یک شاعر یا نویسنده اختصاص دارد. نظم منطقی و انسجام مطالب اثر در درون هر درس رعایت شده است. نویسندگان در هر درس به زندگی، ویژگی‌های ادبی شاعر و مناسبت قصیده پرداخته سپس برخی از ابیات قصیده شاعر را آورده و به شرح لغوی و تا حدی نحوی ابیات پرداخته و در آخر، ترجمه عربی ابیات را ذکر کرده‌اند. در شرح حال نویسندگان دوره اندلس، بعد از شرح زندگی و ویژگی‌های ادبی، نمونه‌ای از نثر آنها را آورده و به شرح لغوی آن پرداخته‌اند. در پایان هر درس موضوعی تحت عنوان المناقشه آورده و تمرین‌ها و سؤالات چهارگزینه‌ای برای آزمودن دانشجویان طراحی کرده‌اند. در مجموع، محتوای اثر با عنوان و فهرست محتویات کتاب مطابقت دارد. انتخاب درس‌ها در تمام کتاب به جز ابن حزم در صفحه ۵۵، بر اساس تاریخ تولد شاعران و نویسندگان است. اشعار انتخاب شده از شاعران، جزو قصائد معروف آنهاست. مانند نونیه ابن زیدون، رائیه ابن دراج، موشح معروف اعمی تطیلی، سینه ابن حمدیس در رثای شهر سیسیل - زمانی که به تصرف نورماندی درآمد - سینه ابن ابار قضاعی در رثای بلنسیه و نونیه ابوالبقاء رندی در رثای شهرهای اندلس.

یکی از کاستی‌هایی که در خصوص تنظیم درس‌ها به چشم می‌خورد، تداخل شرح نحوی و بلاغی ابیات است. بهتر است برای کامل‌تر شدن نظم و ترتیب هر درس، نکات نحوی از نکات بلاغی جدا شود؛ مانند کاری که درباره شرح مفردات انجام شده است. مثلاً ابتدا شرح مفردات، بعد شرح نکات صرفی و نحوی و سپس شرح نکات بلاغی آورده شود. در انتخاب عناوین فرعی هر درس، ابتکاری دیده نمی‌شود و روش انتخابی، تقلیدی است از سنت تألیف کتب تاریخ ادبیات. ابتدا زندگی‌نامه شاعر یا نویسنده، ادب وی و سپس نمونه شعر یا نثر و در آخر شرح لغوی. ناگفته نماند که نویسندگان کتاب به خوبی توانسته‌اند از هر دوره‌ای، درباره یکی از شاعران و یا نویسندگان اندلس سخن برانند و به بررسی شعر و ادب و نیز شرح و ترجمه شعر یا نثر وی بپردازند.

با توجه به اینکه اشعار و متون انتخابی هر درس به گونه‌ای است که دانشجویان با مطالعه و خواندن آنها می‌توانند با میراث ادبی و فکری سرزمین اندلس آشنا شوند، تناسب موضوعی و محتوایی تا حدود زیادی رعایت شده است اما در مورد جامعیت متون انتخابی با اهداف درس کاستی‌هایی وجود دارد. از سوی دیگر، سادگی و روانی موجود در متن هر درس این امکان را برای دانشجویان فراهم می‌سازد تا مهارت روان‌خوانی خود را تقویت کنند. نحوه تنظیم مطالب و وجود مناقشات به نحوی است که ذهن دانشجو را فعال و استعداد وی را نسبت به موضوع برمی‌انگیزد. از آنجاکه این اثر جنبه آموزشی دارد، نویسندگان به خوبی موضوعی را تحت عنوان مناقشه آورده‌اند. نظر به اینکه اثر مذکور از نظر حجم، ترقیم، علامت‌گذاری، روانی متون گزیده، مناسب و مفید است و با توجه به تمرین‌ها و پرسش‌هایی که در آخر هر درس آمده، می‌تواند به عنوان یک اثر آموزشی مفید، مورد استفاده قرار گیرد. مطمئناً تأثیر آموزشی کتاب مورد نظر با رفع نواقص پیشنهادی دوچندان خواهد داشت؛ از جمله این پیشنهادها؛ بیشتر کردن توضیحات لغوی، نحوی و بلاغی است. با توجه به اینکه در سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، اهداف زیر برای این درس تعیین شده است.^(۱) بررسی ادبیات اندلس در دوره‌های

متعدد (۲) آشنایی با شاعران و نویسندگان بزرگ اندلس (۳) شناخت متون نظم و نثر و توانایی خواندن، تحلیل، درک و ترجمه آنها (۴) ارزیابی و تحلیل دیدگاه‌های متفاوت گروه‌های فکری موجود در اندلس، می‌توان گفت که نویسندگان به میزان قابل توجهی به برخی از سرفصل‌ها عنایت داشته و در پرداختن به برخی دیگر کوتاهی نموده‌اند. در مورد هدف اول باید گفت که نویسندگان به یک یا چند شاعر هر دوره و نیز ویژگی‌های ادبی آنها اشاره کرده‌اند ولی با توجه به اینکه هر کدام از دوره‌های ادبی اندلس، تا حدودی از لحاظ ادبی و فکری از دوره دیگر متمایز است، بهتر بود که به هر کدام از دوره‌ها، جداگانه و به صورت مستقل می‌پرداختند. اما آنها ترجیح داده‌اند به آوردن شاعران و نویسندگان بر اساس تاریخ ولادتشان اکتفا کنند.

کتاب مذکور با توجه انتخاب و گزینش شاعران برجسته‌ای چون ابن‌هانی، ابن‌درج، ابن‌زیدون، ابن‌حمدیس و نویسندگانی چون ابن‌شهید، ابن‌رشیق، ابن‌جیسر و ابن‌خلدون و انتخاب بجا و شایسته اشعار شاعران مذکور و متون نثری نویسندگان مورد اشاره، به میزان بسیار زیادی اهداف دوم و سوم را تحت پوشش قرار داده‌است. هرچند به برخی از نویسندگانی چون ابن‌شرف قیروانی، ادیسی و ابن‌بطوطه که در سرفصل‌های وزارت علوم آمده‌اند، اشاره نکرده‌است. در مقابل، به شاعران و نویسندگانی پرداخته شده که در سرفصل‌های وزارت علوم نیامده‌اند مانند معتمد بن‌عباد، یحیی بن حکم، اعمی تطیلی، ابوبکر بن زهر، ابن‌عربی، ابن‌ابارقضاعی، ابوالبقاء رندی، لسان‌الدین خطیب و ابن‌زمرک اشاره کرد. از نویسندگان نیز می‌توان ابن‌حزم را نام برد؛ امری که می‌تواند جزو مزایای کتاب به شمار آید؛ زیرا اطلاعات بیشتری در اختیار دانشجویان و خوانندگان کتاب قرار می‌دهد. هدف چهارم نیز به کلی نادیده گرفته شده‌است. بر این اساس می‌توان گفت میزان تناسب و جامعیت اثر مورد بررسی با سرفصل‌های وزارت علوم در بند اول تا حدودی، در بندهای دوم و سوم به میزان بسیار زیادی در رعایت شده‌است. ولی هدف ذکر شده در بند چهارم مورد غفلت واقع شده‌است. به‌هرحال، می‌توان نسبت مطابقت کتاب با سرفصل‌های وزارت علوم را با توجه به پیشنهادهای نویسندگان مقاله بیشتر کرد و بهبود بخشید.

نگارندگان مقاله به نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که کتاب خود را به یک مقدمه و چند فصل تقسیم نمایند. در مقدمه به کلیاتی درباره ویژگی‌های ادبی دوره‌های مختلف اندلس، اشتراکات

معرفی، نقد و بررسی کتاب «نصوص من الأدب الأندلسی» ابوالحسن امین مقدسی، عبدالوحد نویدی و...

و اختلافات آنها به هم بپردازند و فصول کتاب خود را بر اساس دوره‌های حکومت مسلمین بر اندلس تنظیم نمایند و به ویژگی‌های شعر و نثر آن دوره اشاره کنند سپس به معرفی یک یا چند شاعر یا نویسنده مشهور و مربوط به آن دوره بپردازند تا مطالب از انسجام بهتری برخوردار گردد و خوانندگان با مطالعه کتاب علاوه بر آشنا شدن با زندگی شاعر یا نویسنده و شعر یا نثر وی بدانند که وی در چه دوره و در زمان چه کسانی زندگی می‌کرد. مثلاً فصل اول شعر و نثر دوره والیان، فصل دوم شعر و نثر دوره بنی‌امیه، فصل سوم شعر و نثر دوره ملوک الطوائف، فصل چهارم شعر و نثر دوره مرابطون، فصل پنجم شعر و نثر دوره موحدون، فصل ششم: شعر و نثر دوره بنی‌احمر.

۴-۳) جایگاه منابع و مراجع استنادی

کمتر پژوهشگری می‌تواند ادعا کند که آنچه را که نوشته، تنها زائده اندیشه خود اوست، چراکه نویسندگان غالباً معلومات موردنیاز خود را از طریق مطالعه منابع که نتیجه و ثمره تلاش‌های گذشتگان است، به دست می‌آورند. سپس آنها را به عنوان مواد خام اولیه مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار داده تا به نتایج جدیدی دست یابند. بر این اساس یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که نویسندگان آثار علمی پس از انتخاب موضوع انجام می‌دهند، جستجو در منابع و مراجع مختلف جهت جمع‌آوری معلومات لازم پیرامون موضوع است (دلور، ۱۳۸۵: ۳۷ و ۳۸ و قرامکلی، ۱۳۸۵: ۹۶). تا بر اساس اطلاعات و معلومات به دست آمده به تجزیه، تحلیل، نقد و در نهایت استنتاج و نوآوری بپردازند. از سوی دیگر تمامی منابع و مصادری که پژوهشگر برای کسب معلومات پیرامون موضوع خود به آنها مراجعه می‌کند، دارای ارزش و اعتبار یکسانی نیستند؛ زیرا از نظر میزان ارتباط با موضوع یا از نظر جایگاه و اعتبار نویسنده با هم متفاوت‌اند. بنابراین برخی صاحب‌نظران، منابع مورد استفاده در هر تحقیق را به منابع اولیه و اساسی و منابع ثانویه و جانبی تقسیم نموده و گروه اول را مصادر و گروه دوم را مراجع نامیده‌اند (ضیف، ۱۹۷۲م: ۲۳۷). اینک ما بر اساس سه معیار تعداد، تنوع و اعتبار، منابع کتاب را مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهیم.

۱) در خصوص تعداد منابع باید گفت که کتاب حاضر در مجموع از ۱۷ منبع استفاده کرده است که می توان آنها را به دو گروه منابع جدید و منابع قدیم تقسیم نمود. نویسندگان در مجموع از پنج منبع جدید و دوازده منبع قدیم استفاده نمودند. همان طور که می بینیم تعداد منابع مورد استفاده بسیار اندک است؛ امری که یکی معایب اساسی کتاب حاضر است و از ارزش کتاب می کاهد و می تواند بیانگر عدم دقت و اهتمام نویسندگان به منابع تحقیق و عدم جستجوی وسیع و همه جانبه آنها پیرامون موضوع باشد.

۲) از نظر تنوع منابع مورد استفاده، باید گفت با وجود تعداد بسیار کم منابع، نویسندگان از منابع ادبی و تاریخی قدیم و جدید استفاده نموده اند.

۳) در زمینه جایگاه و اعتبار منابع هم باید اذعان کرد که تقریباً همه منابع و مراجع این کتاب باینکه تعداد آنها بسیار اندک است، از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار هستند؛ زیرا نویسندگان از آثار علمای برجسته قدیم و جدید استفاده نموده اند. البته ناگفته نماند که نویسندگان در صفحات ۷ و ۸، کتاب «جذوة المقتبس» را که از نویسنده ای به نام الحُمیدی است، به اشتباه به ابن حنّان نسبت داده اند.

۴-۴. کیفیت تجزیه و تحلیل و نقد داده ها و معلومات

کتاب حاضر مانند سایر کتب تاریخ ادبیات به بررسی زندگی نامه شاعران و نویسندگان دوره اندلس پرداخته است و دارای ماهیت گردآوری با رویکردی آموزشی است. به همین دلیل، تجزیه، تحلیل و نقد در این اثر خیلی مشهود نیست. انتظار می رفت که نویسندگان با استفاده از نکته نظرات نویسندگان قبل از خود و نقد، بررسی و تحلیل آنها جنبه پژوهشی کتاب را عمیق تر می کردند. نکته جالب توجه اینکه جاهایی هم که نویسندگان به نقد شعر شاعر پرداخته اند، دقیق به نظر نمی رسد. در صفحه ۱۶ بیت چهارم، شاعر از واژه طغیان استفاده کرده است و معنی بیت می شود: ممدوح، پیشوای پرهیزگاران و همراهان خود است و طغیان و کافران [به وسیله او] خوار و ذلیل شده اند. نویسندگان در شرح بیت به نقد شاعر پرداخته و گفته اند که بهتر بود شاعر به جای واژه الطغیان از واژه الطغاة استفاده می کرد. با توجه به اینکه

اشعار ابن هانی به غلو و مبالغه معروف است، وی برای اینکه مدح ممدوح را به اوج برساند و حق مطلب را درباره وی ادا کند، از واژه طُعَاة و طَآغِي عدول کرده و کلمه طغیان را آورده است. شاعر قصد دارد بگوید که ممدوح، خود طغیان را از بین می برد و ریشه آن را می - خشکاند نه اینکه فقط طاغی و ستمگر را. بی شک از بین بردن طغیان، مبالغه آمیزتر از نابود کردن ستمگران است و با مدح ممدوح تناسب بیشتری دارد. نمونه این امر در قرآن آمده است. در سوره بقره آیه دوم، خداوند به جای اینکه بگوید: «ذلک الکتاب... هادٍ للمتقین» فرموده است «ذلک الکتاب... هدی للمتقین» یعنی خداوند برای اینکه عظمت و بزرگی قرآن را دوچندان کند، از کاربرد اسم فاعل عدول کرده و مصدر را به جای آن به کار برده است. در این مقام قصد ما این نیست که عظمت و بزرگی قرآن را با ممدوح مقایسه کنیم بلکه می خواهیم بگوییم که از نظر بلاغی، کاربرد مصدر به جای اسم فاعل بر مبالغه و اغراق دلالت دارد.

گاهی نیز نویسندگان در شرح لغوی و در نتیجه در ترجمه بیت دچار اشتباه شده اند. برای نمونه، صفحه ۵۰ کتاب در بیت دوم، نویسندگان حین اولی را به معنای زمان و وقت گرفتند؛ امری که درست به نظر نمی رسد. زیرا حین، به معنای مرگ، هلاکت و نابودی است. علاوه بر این، حین به معنای مرگ، نابودی و هلاکت با معنای بیت کاملاً متناسب و همخوانی دارد. شاعر در قسمت اول گفته «صبحدم روز جایی فرارسید. (گویی که) مرگ به ما صبح به خیر گفت. قصد شاعر این است که بگوید: فرارسیدن زمان جدایی، دقیقاً برابر است با فرارسیدن مرگ و نابودی. به دیگر سخن، همین که آن ها از ما جدا شوند، ما نابود و هلاک خواهیم شد. در صفحه ۵۲، بیت ۱۱ نیز به نظر می رسد که نویسندگان در شرح کلمه المحببنا به خطا رفته اند. در شرح این واژه آمده که الف در واژه المحببنا، الف اطلاق است. اما به نظر ما چنین برداشتی نمی تواند درست باشد. واژه المحببنا مرکب است از (ال موصوله + محبی + ضمیر نا). این عبارت

به تقدیر الذین یُحِبُّونَنَا. ال، در اینجا، اسم موصول و به معنای الذین است، و مُحِبِّی جمع مذكر سالم است و به دلیل اضافه شدن به ضمیر نا، نون آن حذف شده است. نظیر کلمه المحببنا، واژه الملبسینا است که در همین قصیده در بیت سوم آمده است. این واژه نیز مرکب از (ال + ملبسی + نا) است. ممکن است سؤال شود مگر مضاف که در اینجا «مُحِبِّی» است می تواند ال بگیرد؟ در پاسخ باید گفت که اولاً ال در این کلمه، ال موصوله است نه ال تعریف؛ دوم اینکه هرگاه مضاف اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبه و صیغه مبالغه باشد، می تواند ضمن داشتن ال، به معمول خود نیز اضافه شود؛ زیرا در چنین حالتی، ترکیب اضافی، از نوع اضافه لفظی است نه اضافه معنوی، و در اضافه لفظی، مضاف از مضاف الیه نه کسب تعریف می کند و نه کسب تخصیص، بلکه فقط و فقط افاده تخفیف دارد و آن حذف نون و یا تنوین است. علاوه بر این اگر ما نا را ضمیر بگیریم با معنای بیت بیشتر تناسب دارد. زیرا شاعر در بیت اول می گوید: گمان نکنید که دوری شما از ما، ما را تغییر داده هر چند دیرزمانی است که این دوری دوستاناران ما را تغییر داده است. همان طور که می دانیم ولاده، قبل از اینکه بین او و ابن زیدون اختلاف و جدایی بیفتد، به ابن زیدون عشق می ورزید و او را دوست می داشت و آوازه عشق این دو نقل محافل و زبانزد عام و خاص بود و بعداً بر اثر سعایت و سخن چینی، میان این دو شکر آب شده است (امین مقدسی و دیگران، ۱۳۹۲ش: ص ۲۰۳) با توجه به این امر و توضیحات بالا، گرفتن الف در المحببنا به عنوان الف اطلاق نمی تواند درست باشد.

گاهی اوقات نویسندگان چند بار معنای یک کلمه را توضیح داده اند؛ درحالی که برخی کلمات دیگر را به حال خود رها کرده اند. برای نمونه صفحه ۱۶۱ و ۱۶۲ دو بار معنای لغوی کلمه ندی، یک بار در بیت شش و بار دیگر در بیت نه، آمده اما به معانی کلماتی چون صَوَّبَ یا علویّ در صفحه ۱۶۲ اشاره ای نشده است. در این باره بهتر است در کل کتاب تجدیدنظر و معانی کلمات مشکل آورده شود و تا جایی که امکان دارد حداقل در همان درس از تکرار معنای کلمات خودداری گردد. در شرح نکات بلاغی نیز نویسندگان روش یکسانی در پیش نگرفته اند. گاهی اوقات به نکات بلاغی اشاره کرده و بیشتر اوقات این کار را انجام نداده اند. علاوه بر این، جاهایی هم که اشاره شد، نویسندگان به طور کلی گفتند که مثلاً در فلان مصرع

استعاره وجود دارد و کلمه‌ای را که استعاره در آن آمده مشخص نکرده‌اند. برای نمونه صفحه سه بیت اول. در اشعار به کار گرفته، مجازهای مرسل، عقلی و استعاره‌های زیادی وجود دارد که اگر به آنها اشاره شود، در بالا بردن معلومات بلاغی دانشجویان کمک فراوانی می‌کند. مثلاً در صفحه سه به استعاره مکنیه موجود در مصرع اول بیت اول اشاره شد ولی در همان صفحه به مجاز مرسل موجود در قلب در بیت دوم اشاره نشده است.

نویسندگان آنچنان که باید و شاید به نکات نحوی اشاره نکرده‌اند و جاهایی هم که اشاره کرده‌اند خیلی ضروری به نظر نمی‌رسید یا حداقل نسبت به جاهای دیگر اهمیت کمتری داشت. در صفحه سه به دو مفعول ملکت که تاحدودی قابل تشخیص است، اشاره نموده ولی در صفحه ۱۶۲ درباره نقش واژه معال که هم شکل آن به دلیل حذف حرف یاء، عوض شده و هم نقش آن مشکل گردید، اشاره‌ای نکرده‌اند. یا در صفحه ۱۲۹ بیت اول، به زائده بودن ما، در اذاما اشاره نموده ولی در همان صفحه بیت دوم، به ترکیب مصراع اول یعنی هی الامور دُول که تاحدودی مشکل گردیده اشاره نکرده‌اند. هی ضمیر قصه، مبتدای اول و محلا مرفوع // الامور: مبتدای دوم و مرفوع // دول: خبر برای الامور و مرفوع، جمله مرکب از مبتدای دوم و خبر، خبر است برای ضمیر هی. در این باره لازم است تجدیدنظر اساسی در کتاب اعمال گردد. گاهی اوقات ایجازگویی نویسندگان در طرح برخی مسائل، باعث ایجاد وقفه در روند مطالعه می‌شود و خوانندگان را بیش از اندازه به تأمل وامی‌دارد. به عنوان مثال نویسندگان در صفحه ۱۳۰ بیت چهارم از اصطلاح مقارنه استفاده نموده‌اند ولی هیچ توضیح درباره آن به دست نداده‌اند.

۴-۵. میزان نوآوری و تولید علم

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که گویاترین شاخص برای سنجش میزان نوآوری و تولید علم در هر اثر علمی مقدمه و خاتمه آن اثر است. زیرا پژوهشگران در مقدمه، به

پرسش‌های اصلی که در ذهن داشته و به دنبال پاسخی برای آن می‌گردند، اشاره می‌کنند و پس از مراجعه به منابع مرتبط و تجزیه، تحلیل و نقد معلومات به‌دست‌آمده، سرانجام در خاتمه کتاب به نتایج به‌دست‌آمده، اشاره می‌نمایند که غالباً پاسخ همان سؤال اصلی است که در مقدمه مطرح شده بود (خاکی، ۱۳۸۶ش: ص ۵) با این توضیحات باید گفت که گویاترین شاهد برای ضعف نوآوری و تولید علم در این کتاب، مقدمه و خاتمه آن است؛ زیرا در این اثر، خبری از مقدمه منتهجی نیست و در مقدمه آغازین کتاب هم سؤالی مطرح نشده است. کتاب حاضر اصلاً خاتمه‌ای ندارد که بخواهیم به نقد و ارزیابی آن پردازیم. بنابراین نباید انتظار نوآوری و تولید علم از این کتاب داشته باشیم؛ زیرا نوآوری و تولید علم در اثر تجزیه و تحلیل داده‌ها، نقد و ارزیابی معلومات گذشتگان به دست می‌آید و درحالی‌که این کتاب بیشتر به گردآوری اطلاعات و مطالب از منابع قدیم و جدید پرداخته است.

۵. نتیجه‌گیری

با بررسی کتاب «نصوص من الأدب الأندلسی» می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب در کنار نکات قوت، نواقصی در زمینه شکلی و محتوایی دارد. مهم‌ترین نکات قوت کتاب عبارت‌اند از توجه و اهتمام به حروف‌نگاری، صحافی، طرح روی جلد، مطابقت داشتن درس‌ها با عنوان کتاب، مطابقت نسبی با سرفصل‌های وزارت علوم، استفاده از برخی منابع معتبر قدیم و جدید، عدم استعمال واژه‌های نامأنوس و واضح و مختصر بودن موضوع کتاب. مهم‌ترین نقطه ضعف‌های کتاب عبارت‌اند از عدم رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی، نداشتن فهرست اعلام و آیات، عدم ارجاع به منابع استفاده شده، فقدان مقدمه خوب و خاتمه روشن، عدم استفاده از منابع فراوان و متنوع، عدم ابتکار و نوآوری در تنظیم درس‌ها و تقلیدی بودن تنظیم درس‌ها، فقدان یا ضعف تجزیه، تحلیل و نقد به دلیل تکیه بر جمع‌آوری مطالب از منابع متعدد، اشتباه در تحلیل و نقد برخی از ابیات شعری، ضعف نوآوری و تولید علم به دلیل تکیه بر و گردآوری و نقل به جای تحلیل و نقد.

کتابنامه

۱) عربی

- شلیبی، أحمد، (۱۹۷۴م)، *كيف تكتب بحثاً أو رسالة*، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية، الطبعة الثامنة.
صابری، علی، (۱۳۸۴)، *المنهج الصحيح في كتابة البحث الأدبي*، انتشارات شرح، چاپ اول.
ضیف، شوقی، (۱۹۷۲م) *البحث الأدبي: طبيعته، مناهجه، أصوله، مصادره*، القاهرة: دار المعارف.
طاهری نیا، علی باقر و محمد مهدی مسبوق، (۱۳۸۹)، *نصوص من الأدب الأندلسی*، تهران: دانشگاه پیام نور.
مشکین فام، بتول، (۱۳۸۶)، *البحث الأدبي؛ مناهجه ومصادره*، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.

۲) فارسی

- امین مقدسی، ابوالحسن و عبدالوحد نویدی، (۱۳۹۲ش)، *ترجمه، شرح و تحقیق اشعار جلد پنجم المجانی الحديثه عن مجانی الاب شیخو: ادب اندلس*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
خاکی غلامرضا، (۱۳۸۶)، *روش تحقیق: با رویکردی به پایان نامه نویسی*، تهران: انتشارات بازتاب.
دلاور، علی، (۱۳۸۵ش)، *روشهای تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی*، تهران: انتشارات پیام نور.
قرا مکی، أحد فرامرزی، (۱۳۸۵)، *روش شناسی مطالعات دینی*، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم، (۱۳۷۲)، *روشهای تحقیق در علوم انسانی*، انتشارات بدر.

مجلات

- اسلامی، محسن، (۱۳۹۱ش)، «از مبانی نظری تا گام‌های عملی نقد کتاب»، *ماهنامه جهان کتاب*، سال هفدهم، شماره ۶-۸ (پیاپی ۲۸۲)، آبان.
اکبری تبار، علی اکبر، (۱۳۹۱ش)، «مطالعه‌ای در باب فرآیند طراحی جلد کتاب؛ به همراه نتایج نظر سنجی در مورد طرح جلد کتاب‌های انتشار سورة مهر»، *فصلنامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر*، شماره پنجم، بهار.
بشیری، محمود، (۱۳۹۳ش)، «تحلیل و نقد کتاب ادبیات معاصر ایران (نثر)»، *پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال چهاردهم، شماره اول، بهار.

دراسة ونقد لكتاب «نصوص من الأدب الأندلسي»

ابوالحسن أمين مقدسي^{۱*}، عبدالوحيد نویدی^۲، موسى بیات^۳

۱. استاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران

۲. طالب دكتوراه في اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران

۳. طالب دكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران

الملخص

يمكننا الإذعاء أنّ كل تطورات المدارس والمجتمعات الإنسانية، ونموّ الفكر الإنسانيّ يرجع إلى وجهات نظر متباينة تسود طوال التاريخ البشري مع السراء والضراء، لذلك يصل تاريخ النقد إلى زمن ولادة الفكر الإنساني، ويجب أن نعتقد بأنّ النقاد يساهمون في كتابة نصّ ما بقدر ما يساهم فيها الكتاب، ودون شك في بعض النصوص، يكون دور النقاد أبعد وأكثر من أصحاب القلم. حول تاريخ الأندلس وأدبها ألّفت مؤلفات عديدة كل واحد منها جدير بالملاحظة والتقييم من جهات عدّة. ومن خلال دراسة هذه الآثار وتقييمها يمكن القول بأنّ قليلا منها يناسب طلاب جامعة بيام نور. وأنّ كتاب «نصوص من الأدب الأندلسي» الذي جمعه علي باقر طاهري نيا ومحمد مهدي مسبوق، مع أن فيه بعض الأشكالات الشكلية والمضمونية، يمكنه أن يستعمل ويستخدم كمادة دراسية في مرحلة البكالوريوس في جامعة بيام نور. تسعى هذه المقالة إلى دراسة هذا الكتاب من الناحيتين الشكلية والمضمونية لتبيين نقاط القوّة والضعف.

من أهمّ مزايا الكتاب تجدر الإشارة إلى العناية بتنضيد الحروف وتجليد الكتاب وتصميم الغلاف وتطابق الدروس مع عناوين الكتاب وسلاسة الدروس ووضوحها، ومن أهمّ معاييب الكتاب تجدر الإشارة إلى عدم الاهتمام الكافي بتخطيط الكتاب، وعدم الإرجاع إلى المصادر، وعدم وجود مقدمة منهجية وعلمية، وعدم الاستناد إلى المصادر، وضعف التحليل والنقد، وعدم وجود أيّ إبداع وإنتاج علمي بسبب الاعتماد على الجمع والنقل بدلاً من التحليل والنقد.

الكلمات الرئيسية: الأدب الأندلسي؛ نقد الكتاب؛ الشكل؛ المضمون.